

خادمه هستم به بیتِ اهل بیتِ مصطفی

مادر عبّاسم و دلدادۀ خونِ خدا

حسین من...

من حسینی هستم و یار امیرالمؤمنین

فاطمه(س) نام من است و کنیه امّ البنین

حسین من...

ای حسین جان ای گل گلزار زهرا(س) بتول

از برای نوکری عبّاس من را کن قبول

حسین من...

کن قبولش تا شود در راه عشق تو شهید

تا که من فردا شوم در پیش زهرا(س) روسپید

حسین من...

ای عزیز فاطمه(س) ای سر جدای کربلا

آرزو دارم شود عبّاس در راهت فدا

حسین من...

نوحه

*آید ز تو ای بانو شمیم عطر یاسی

جانم به قربانت که تو مادر عباسی

یار قرآن و دین هستی ام البنین

جانم فدایت...

*خوبان همه وادی قرب تو را می پویند

گفتی که بر تو زنها ام البنین نگویند

چون ز غربت دگر تو نداری پسر

جان فدایت...

نوحه

امّ البنینم و در زمزمه منم

چون فضّه خادمه بر فاطمه منم

نوری ز مکتبم کنیز زینیم

جانم حسین حسین...

هستم به رسم عشق من فانی حسین

عبّاس من بُود قربانی حسین

سرمست کربلاست بی دست کربلاست

جانم حسین حسین...

نوحه

*محب آل ختم المرسلینم فدایی امیرالمومنینم

منم ام ابوالفضل دلاور کنیز فاطمه(س) ام البنینم

بگویم با چشمان تر همه هستم نذر دلیر

فدای زهرا(س) و حیدر

اگر چه در حریم الله عزیز هستم به کثوم و به زینب هم کنیز هستم

آه...واویلاواویلا واویلا..

*مدینه محشری کبری به پا شد خبر از کاروان کربلا شد

بشیر آمد به من گفتا پریشان که عباست لب تشنه فدا شد

فدای سوز احساس شده پرپر گل یاست

جداشد دست عباس

چو دستانش ز کینه بر زمین افتاد سر و کارش به گرز آهنین افتاد

آه...واویلاواویلا واویلا..

*بگفتم وایه روی حسینم اسیر و بنده ی کوی حسینم

من و عباسم و هرچه در عالم همه قربان یک موی حسینم

گلم گشته فدا آخر فدای مقتدا آخر

شدم حاجت روا آخر

خداروشکر که عباسم فدایی شد فدای آن شهید کربلایی شد

وای...حسین وای حسین وای حسین وای

نوحه

امّ البنینم کنیز زهرا(س) خدمتگزار خانه مولا

خادمه بهر زینبیم من ذاکر ذکر یا حسینم من

آه و واویلا...

در بیت نور و کرامتم من مادر فضل و شرافتم من

گل پسر بهر حیدر آوردم بر گل زهرا(س) نوکر آوردم

آه و واویلا...

بر آل عصمت نوردوعین عباس من خادم الحسین

تا ابد آید سوز آه او علقمه باشد قتلگاه او

آه و واویلا..

یاور امیرالمؤمنین مظهر ادب امّ البنین

واویلا...

هستی ای روح عشق و احساس مادر ابوالفضل العباس

واویلا...

گفته‌ای، عاشق و شیدایم من کنیز بیت زهرا(س)

واویلا...

بُود در کلّ این عالمین ابوالفضل من عبدالحسین

واویلا...

جان او فدای ثارالله ذکر او یا اباعبدالله

واویلا...

زمینه (امّ بی بنین...)

آی اهای مدینه // تموم حرف من اینه // که حالا بعدِ به
عمری // اسمم امّ بی بنینه
شد چهار تا قمرم فدای ارباب

جون دادن برای بچه های ارباب
خون شون ریخت پای غمای ارباب

سر دادن بین کربلای ارباب

((امّ البنین - امّ بی بنین))

غصه ای مونده تو سینه // که قاتل من همینه // دیگه
من پسر ندارم // اسمم امّ بی بنینه
آبرومو خرید زخمای عباس

زخم پیشونی و چشمای عباس
پیش زهرا دیگه روی من سفید شد
وقتی از تن جدا شد دستای عباس

((امّ البنین - امّ بی بنین))

انگاری چشم می بینه // که دستات روی زمینه
// عالم می خونن که دیگه // اسمم امّ بی بنینه
بیکرت تا میون علقمه افتاد

تو سپاه دشمننا هممه افتاد
به پیش چشمای حسین عزیزم عباس

سر تو روی دامن فاطمه افتاد

((امّ البنین - امّ بی بنین))

*تو مادر ابالفصل مهجبینی

بانوی فضل و ادب ، امّ البنینی

گفته ای من کنیزه زهرایم(س)

خدمتگزار خانه مولایم

واویلا واویلا آه و واویلا...

*یا حسین بن علی جان فدای تو

هستی ام به قربان خاک پای تو

قاتل فتنه ها شمشیر تیزت

عباسم غلام ومنم کنیزت

*اولادی و من تحت الخضر یا الله

كُلُّهُمْ فِدَاءٌ لِّأَبِي عَبْدِالله

خورده تیغ و نیزه پیکر عباس

فدای سر حسین ، سر عباس

واویلا واویلا آه و واویلا...

زمزمه (آسمان بی ستاره ...)

بین بستر غم - با اشک نم نم

راهی شده روضه خون غمای عباس

این دم آخری داره عزای عباس

روضه داره می خونه از چشای عباس

الهی مادرت برات بمیره // این چیه که توی چشیت نشسته

چشم قشنگ تو رو پاره کرده // این تیره یا که نیزه ی شکسته

گریه می بارم هنوزم ، برای حالت

شیرم حلالیت پسرم شیرم حلالیت

وای // راهی شده بانوی دین

وای // ام البنین ام البنین

((وای // ام البنین ام البنین))

حتّی این دم آخر - با حال مضطر

دل کبابش دوباره به شور و شینه

روضه خون غصه های یه نور عینه

به جای اشهد رو لباس ذکر حسینه

اون نانجیب نشست به روی سینه // با لب تشنه سر تو جدا کرد

سر بریدتو رو دست گرفت و // خیره به چشم زینبت نگا کرد

جون منو گرفته این ، غصه و غربت

بعد تو زینب و حرم ، رفتن اسارت

وای // ذکر لب روح الامین

وای // ام البنین ام البنین

((وای // ام البنین ام البنین))

امشب باید - دامن امّ التینو بگیریم

شور ((تمّای حرم...))

هستم دیوانه عشق // یار پیمانه ی عشق // اهل میخانه ی عشق
// دیوانه ی عشق

دست ما و کرمّت // چشم ما و قدم // حاجات همه حرمت // جانانه ی عشق

خانه ی دل گنبد تو / زیر لطف بی حد تو / شد قبله ی ما مرقد تو / اربابم حسین

در میان روضه ت آقا / با دل پر شور و نوا / من در هوا ی کربلا / بی تا بم حسین

شده دعای من // همه نوای من

بیا و رحمی کن به حال زار من ای آقای من

با دست خود بیا بده نارالله ، تو کربلا ی من

تو کربلا ی من

(نارالله - یا مولا)

دل ها شد پرپر تو // هر شب در محضر تو // هستم من نوکر تو // شاه
عالمین

دریاب این حال منو // حال عاشق شدنو // حال این سینه زنو // مولانا حسین

درد تو با جون می خرم / وقتی اسمت رو می برم / انگار که هستم توی حرم / با
پای دلم

دل شده غرق شور و شین / تموم حرفم اینه حسین / دوری از بین الحرمین / آقا
قاتلم

اسیر ماتمم // سیاپوش غم

تموم آرزوم شده که آقا یه شب بیام حرم

اگه یه کربلا بدی بسّه واسه ی دوعالمم

واسه دوعالمم

(نارالله - یا مولا)

ساقی من مست توأم // مست پابست توأم // مدیون دست توأم // روح احساس

تودستات اذن حرم // هستی تو بال و پرّم // روشونه داری علم // اقام عباس

اسم تو آهنگ منه / دل به عشقت سینه زنه / پای تو دل غرق محنه / موندم زیر
دین

باز تو هیأت هممه شد / اسم تو ذکر همه شد / پرواز ما تا علقمه شد / سقّای
حسین

دل ما پرپرّت / تصدّق سرت

اگه شدیم یه عمره توی خیمه ت آقا ما نوکرت

برای اینه که شدیم بیمه با دعای مادرت

دعای مادرت

(الدّخیل - ابالفصل)

امشب باید - بگیم که مادر به عشقت اسیریم

امشب باید - برای مولا ابالفضل بمیریم

مادری که تموم لاله هاش / برای ارباب یاور شدن

میون کربلا برا حسین / به عشق مولا بی ستر شدن (۳)

أُمُّ التَّيْنِ / هستی من فدای تو

أُمُّ التَّيْنِ / فدای بچه های تو

أُمُّ التَّيْنِ / منم ابالفضلی شدم

أُمُّ التَّيْنِ / از برکت دعای تو

(وای - مادر اربابم ابالفضل)

هر شب داره - روضه می خونه ز داغِ جوونیش

روضه ای که - غمیره از غم بریده امونیش

تا می خونه - نفس نداره ، می گیره زبونیش

می خونه از روضه ی کربلا / از خنجر و از خنجر حسین

می گه کی بود، بُرید ستر از تیش / به پیش چشمِ مادرِ حسین

أُمُّ التَّيْنِ / عالمی سوگواری تو

أُمُّ التَّيْنِ / خزون شده بهارِ تو

أُمُّ التَّيْنِ / برای ماتم شما

أُمُّ التَّيْنِ / این چشما گریه دارِ تو

(وای - مادر اربابم ابالفضل)

هر شب بی بی - با دلی که نداره هیچ طاقت و صبر

کنج بقیع ، گریه می باره پای چار صورتِ قبر

از غصّه ها - چشمای اُمُّ التَّيْنِ شده مثل ابر

می گه ابالفضل عزیز من / کی با عمود فرقی تو رو شکست

زینب می گفت : « که بعد رفتیت / دشمن دیگه دستِ ماها رو بست

یا ابالفضل / ای گُلِ یاسِ مه جبین

یا ابالفضل / بیا و حالمو ببین

یا ابالفضل / شیرم حلالِ پسترم

یا ابالفضل / گُلِ پسرِ امّ بنین

(وای - مادر اربابم ابالفضل)

تا که تو رو دیدم میونِ علقمه / تا به مشامم اومدِ عطرِ فاطمه

قَدَمِ خَمِيدِ - نَفَسِ بُرِيدِ

شُكْرِ خِدا این صِحَّتِه رو زینب ندید

وای - پاشو عباس بین حرمله ها رو

وای - دستی دشمننا بین سلسله ها رو

وای - رو دِلَم نذار غمِ هلهله ها رو

تیر سه شعبه توی چشمات - عمامه تو بُردن به غارت

تو با همین چشمِ کبودت - مادرمو کردی زیارت

(وای - یاأخا یا ابالفضل)

پاشو تا غصّه از تو خیمه ها بره / پاشو بریم که سکینه منتظره

آبِ آوَرَم - برادرَم

مَشْکِیتِ بَشه پاره نمی شه باوَرَم

وای - همه می گن که عمو آب می رسونه

وای - نمی دوتن که دیگه اون نمی تونه

وای - زهرا بالای سَرِش روضه می خونه

رفتی و بعدِ تو ابالفضل / برادرِ تو تنها می شه

بعدِ تو پای دشمنامون / به خیمه های ما ، وا می شه

(وای - یاأخا یا ابالفضل)

سَقّای من چرا بی دستی تو آخا / پشتِ منو از غمِ شیکستی تو
آخا

وای از غُرَبَتِ - شاهِ غیرت

بعدِ تو زینب می ره مَجْلِسِ نُهْمَتِ

وای - بعدِ تو اهل حَرَمِ می شنن آواره

وای - زینبم بدونِ تو می شه بیچاره

وای - همه ی گوشا میشه بی گوشواره

به خاک و خون افتادی عباس / پشتم شکست ای حاصلِ من

میونِ علقمه شکستی / غربتِ تو شد قاتلِ من

مرثیه - حضرت ام البنین سلام الله علیها
در این دل شکسته ، غیر از شرر ندارم
من شام رنج و دردم ، اما سحر ندارم
شد اشک من خدا یا ، هم‌رنگ با شقایق
در دیده ام به غیر از ، خون جگر ندارم
گلچین بی مرّوت ، از بس به من جفا کرد
در باغ آرزویم ، من برگ و بر ندارم
حامی مکتبم من ، کنیز زینبم من
جز این مقام و منصب ، کاری دگر ندارم
با شور و شوق و آوا ، بر بام دلخوشی ها
دیگر نمی پریم من ، چون بال و پر ندارم
از داغ نور عینم ، یاد غم حسینم
جز قامتی خمیده ، جز چشم تر ندارم
مشغول کار عشقم ، من داغدار عشقم
نخلم به باغ عترت ، اما ثمر ندارم
جز آه پر شراره ، جز داغ گاهواره
جز یاد شیر خواره ، فکری دگر ندارم
ماه‌م به خون کشیدند ، دست از تنش بریدند
در آسمان سرخ ، جانم قمر ندارم
(زن‌ها به من ازین پس ، ام البنین نگویید
من ام بی بنینم ، دیگر پسر ندارم))

ای بانوی بی همتا ، یا ام ابوفاضل
ای رتبه ی تو اعلا ، یا ام ابوفاضل
روشنگر دل‌هایی ، تو یاور مولایی
دل‌داده ی زهرایی(س) ، یا ام ابوفاضل
خورشید یقین هستی ، بی مثل و قرین هستی
تو ام بنین هستی ، یا ام ابوفاضل
تو بنده ی رب هستی ، رزمنده نسب هستی
دریای ادب هستی ، یا ام ابوفاضل
ای فاطمه نام تو ، دل مست مرام تو
مشغول سلام تو ، یا ام ابوفاضل
طفلان تو آفایند ، ممتاز تولایند
در خدمت مولایند ، یا ام ابوفاضل
نور ابد آوردی ، عبدالصمد آوردی
یک سر سید آوردی ، یا ام ابوفاضل
آن عبد ره معبود ، آن تازه شده مولود
از اول حسینی بود ، یا ام ابوفاضل
در راه وفا آمد ، با خون خدا آمد
تا کربلا آمد ، یا ام ابوفاضل
در علقمه غوغا شد ، چون محشر کبری شد
قدّی ز حسین تا شد ، یا ام ابوفاضل
پر درد شد احساسات ، بشکست گل یاست
بی دست شد عباست ، یا ام ابوفاضل
آن در مَثَل همچون شیر ، با فتنه چو شد درگیر
بنشست به چشمش تیر ، یا ام ابوفاضل
عباس چو گل پژمرد ، بر تیر چو دستی برد
از کینه عمودی خورد ، یا ام ابوفاضل
آن لاله ی صحرایی ، در اوج دل‌ارایی شد
زائر زهرایی(س) ، یا ام ابوفاضل

من کیم ام البنینم
یاور حبل المتینم
من کنیزم چو فسه بهر زینب
ذکر جان و دلم هر روز و هر شب
یا مولا حسین یا مظلوم...
همدم درد و بلایم
غصه دار کربلایم
مادر ساقی لب تشنگانم
ابن بُود نغمه ی روح و روانم
یا مولا حسین یا مظلوم...
گفتی ای نور دو عینم
تو غلامی بر حسینم
جان خود کن فدای مکتب او
تا شوی دلخوشی زینب او
عزیز دلم ، عباسم...
ای اباالفضل دلاور
کشته ی خجالت ز اصغر
در پی جرعه ای از موج آبی
غصه دار دل زار ربابی
عزیز دلم ، عباسم
...
تیر باران پیکرت شد
غرق خون پا تا سرت شد
من شنیدم عدو با ظلم و کین زد
بر سر تو عمود آهنین زد
عزیز دلم ، عباسم

مدد یا ام البنین...
حامی قرآن و دین ، مدد یا ام البنین
یاور حبل المتین ، مدد یا ام البنین
تجلی یاربی ، به شور و تاب و تبی
نور دل زینبی ، مدد یا ام البنین
همدم درد و بلا ، بانوی بیت الولا
خونجگر کربلا ، مدد یا ام البنین
تو به ادب مظهري ، جرعه ای از کوثری
ام یل حیدری ، مدد یا ام البنین
گل پسرت از وفا ، به صحنه ی کربلا
به راه دین شد فدا ، مدد یا ام البنین
دل شده پابست او ، فدا شده هست او
جدا شده دست او ، مدد یا ام البنین
آن قمر بوتراپ ، از پی یک جرعه آب
خجل شده از رباب ، مدد یا ام البنین
تیر به چشمش نشست ، جدا شد از او دو دست
حسین پشتش شکست ، مدد یا ام البنین
آن دلخوشی همه ، به وادی علقمه
شد زائر فاطمه(س) ، مدد یا ام البنین

یاور و یار حیل المتین سیدتی ام البنین

بانوی بیت الولا و دین سیدتی ام البنین

هستی تو فدای مکتب

ذکر تو نغمه های یا رب

گفتی هستم کنیز زینب

یا ام الابلالفضل

ای به ولایت نور دو عین مادر حامی حسین

حبیبه ی شاه عالمین مادر حامی حسین

گفتی ای نور چشم مادر

فانی عشق عالمینی

پسرم تو عبد حسینی

یا ام الابلالفضل

ام البنین نور چشم تو به علقمه به علقمه

ذکر لیش شد به موج خون یا فاطمه یا فاطمه

حاجت تو آخر روا شد

دست او از تنش جدا شد

محو روی خیرالنسا(س) شد

یا ام الابلالفضل

ام البنین مدد...

بانوی آفتاب ، ام البنین مدد

یار ابوتراب ، ام البنین مدد

هستی به تاب و تب ، ام البنین مدد

ای مادر ادب ، ام البنین مدد

روشنگر دلی ، ام البنین مدد

امّ الفضائلی ، ام البنین مدد

اوصاف تو بُود ، بر نخل دین رطب

سقا ز تو گرفت ، درس خوش ادب

در شهر یثرب ای ، بانوی عالمین

تو فاطمی شدی ، با گریه بر حسین

گفتی فدای او ، اولاد من همه

هستم کنیزه بر ، اولاد فاطمه

نذر عزای او ، احساس من بُود

قربانی حسین ، عباس من بُود

با تیغ کوفیان ، دستش شده جدا

با ضربی از عمود ، فرقیش شده دو تا

اهل حرم همه ، در ذکر آب و آب

عباس من شده ، شرمنده ی رباب

زبانحال بشیر :

ای یار حبل متین ، امّ بنین ، غمی به جان دارم
آوردم بر تو خبر ، خون جگر ، به دیدگان دارم
گویم این را زار و حزین ، تسلیت ای امّ بنین
با دو چشم غرق به خون ، شد ابالفضل نقش زمین
به علقمه یاست ، ز کینه پرپر شد
دو دست عباس است ، جدا ز پیکر شد
گفتا یا شور و نوا ، ادرك اخا یا حسین
شرمنده ام به خدا ، ادرك اخا یا حسین
بین که مشکم پاره شده ، برادرت بیچاره شده
ز غصه بیتاب است
شراره دارد جان و دلم ، ز روی شش ماهه خجلم
که تشنه ی آب است

جواب حضرت ام البنین :

من هستم مادر او ، یاور او ، به مکتب ایمان
اولاد من همه ی ، هستیشان ، فدایی قرآن
شاکرم که گل پسر ، آن به عالم نور دو عین
در مقام نوکری اش ، شد بلا گردان حسین
حسین بُود کعبه ، همه به سوی او
صد همچو عباسم ، غلام کوی او
تشنه لب غرقه به خون ، نور دلم شد شهید
نزد زهرا شده ام ، تا به ابد رو سپید
چرا برایش گریه کنم ، به روضه هایش گریه کنم
که شد فدای دوست
ز ضرب تیغ و تیر و سُنین ، به راه سرخ عشق حسین
فدا شدن نیکوست